

## زبان مشترک

و سه تار و سنتور و کمانچه را به نام خودمان ثبت کرده ایم. تازه فقط اینها نیست آوازها، گوشه ها و رنگ ها از شور گرفته تا همایون، از دشتی تا ماهورد پای هنر ایرانی ها در موسیقی پیداست. صدای تار استاد لطفی، تنبک آقای تهرانی و کمانچه استاد کلهر با آواز اساتید برجسته دانه انار است و گلپر؛ آدم را از زمین جدا می کند.



اگر این که موسیقی از زمان آدم و حوا وجود داشته است را اغراق به حساب نیاورید باید بگویم برای موسیقی هیچ ابتدا و انتهای نیست. زبانی مشترک برای تمام جوامع که شکل گیری آن به ماقبل تاریخ برمی گردد. وقتی که آدم ها هنوز کلمه ای برای گفتن نداشتند و کسی حرف نمی زد، اصوات موسیقی را شکل دادند و از دل صداها نامفهوم و تلاش برای صحبت کردن، موسیقی به عنوان اولین زبان مشترک آدم ها به دنیا آمد. مصوت های کوتاه و بلند با یک کشش یا چرخش ریز باعث شد آوازهای قبیله ای به وجود بیاید. آوازهایی که نمونه آنها را شاید در قبیله های فعلی آفریقایی ببینید. آوازهایی که شبیه به صدای طبیعت هستند. دست آخر هم با وسایل زهی مثل روده حیوانات و تار گیاهان ابتدایی ترین سازها ساخته شد اما سال ها بعد از آن فیثاغورث، این مرد خستگی ناپذیر فلسفه و ریاضیات با کوتاه و بلند کردن یک سیم چنگ، اکتاواهای موسیقی را ایجاد کرد و سروسامان اساسی به موسیقی داد، هرچند که برخی معتقدند در زیبایی شناختی صدای کوک ها آن قدرها هم خوش سلیقه عمل نکرده بود اما نگران عاقبت موسیقی نباشید آن طرف تر از فیثاغورث آدم هایی بودند که خیلی هم خوش سلیقه عمل کردند؛ مگر می شود از موسیقی گفت و سری به تاریخ ایران نزد برکتیه های طاقستان شکل سازهایی مثل تنبور امروزی و سازهای بادی کشیده شده است که به خوبی نشان می دهد ما ایرانی هادستی بر آتش موسیقی داشته ایم یا نمونه قدیمی تر آن کرنا کشف شده ای که متعلق به دوران هخامنشی است. البته باید بگویم ما ایرانی ها با خوش سلیقگی تمام در موسیقی پیش رفته ایم و سازهایی مثل تار

# موسیقی زبان مشترک

## در باب تاریخچه موسیقی

اهل هنر می گویند موسیقی مثل یک چشمه می ماند بر فقط غذای روح نیست، گاه حرف هایی که پنهان شدن کتاب «جوجه اردک زشت» آنجا که کلمات کم می آورند موسیقی به سخن می آید.

عارفه مهرابی



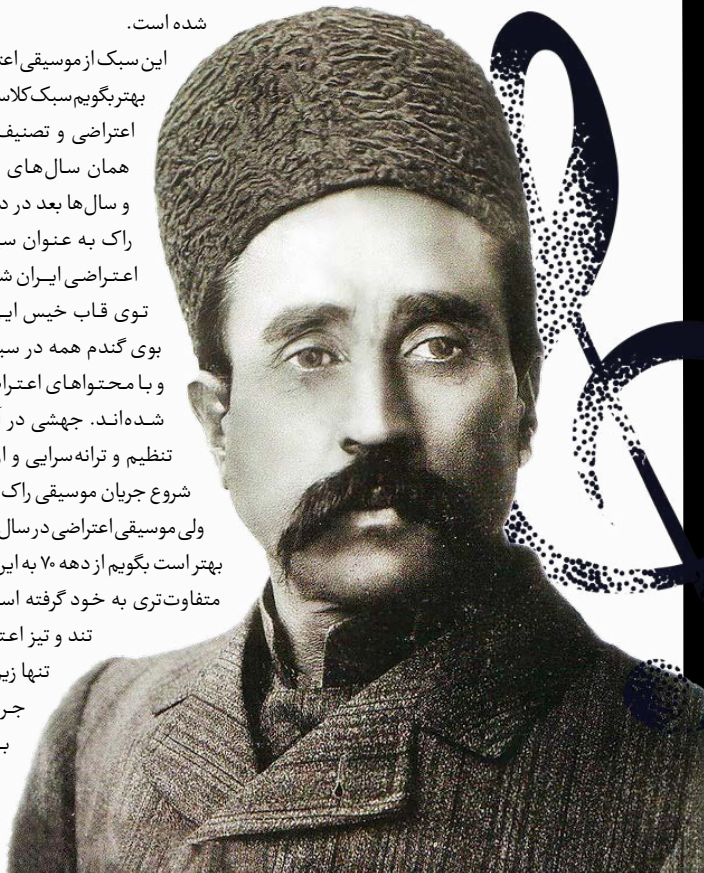
نوجوانه

## از خون جوانان وطن...

جدیدی شدند. حماسه سرایان بزرگی چون عارف قزوینی و آهنگسازان حرفه ای و تصنیف نواز موسیقی سنتی ایرانی را با آن جدیت همیشگی مخصوص به خودش و استادان آوازی که پرچمدار اعتراض ها شدند. تصنیف و سرود «از خون جوانان وطن» مهم ترین و مشهورترین تصنیف سیاسی است که تاکنون بارها توسط خوانندگان مختلف خوانده شده است.

این سبک از موسیقی اعتراضی ایران یا بهتر بگویم سبک کلاسیک موسیقی اعتراضی و تصنیف خوانی برای همان سال های مشروطه بود و سال ها بعد در دهه ۵۰ سبک راک به عنوان سبک موسیقی اعتراضی ایران شناخته شد. توی قاب خیس این پنجره ها تا بوی گندم همه در سبک پاپ راک و با محتوای اعتراضی خوانده شده اند. جهشی در آهنگسازی، تنظیم و ترانه سرایی و از همه مهم تر شروع جریان موسیقی راک در ایران. ولی موسیقی اعتراضی در سال های جدید یا بهتر است بگویم از دهه ۷۰ به این طرف حالت متفاوت تری به خود گرفته است. رپ های تند و تیز اعتراضی که نه تنها زیر پوست شهر جریان داشتند بلکه از زیر پوست شهر می گفتند.

شاید تاریخچه موسیقی اعتراضی در ایران را بتوان از زمان مشروطه حساب کرد. هرچند پیش از آن کشاورزان برای اعتراض به اربابان سرودهایی می خواندند. این ترانه ها نسل به نسل چرخیده است اما از انقلاب مشروطه به بعد ترانه های اعتراضی وارد مرحله



## صدای اعتراض سیاهان

یک داستان آشنا از تبعیض های نژادی و زندگی بر پایه جداسازی سفیدها از سیاه ها و محروم کردن سیاهپوستان از خدمات عمومی. فضای ناامن و دید منفی نسبت به سیاهپوستان و دودستگی میان مردم را فقط یک فریاد بلند تسکین می داد. فریاد بلندی که در قالب هنر موسیقی خودش را نشان داد. جوانان سیاهپوست آمریکایی با آن صدای دورگه خش دار فریاد اعتراضی خود را به عنوان یک سبک هنری در موسیقی ثبت کردند. اعتراضی مدنی که به تمام جهان مخابره شد.

«شب بخیر آیرین» از اولین موزیک های اعتراضی است که توسط یک سیاهپوست آمریکایی خوانده شده است. اما این فقط شروع نبود. از ترانه های اعتراضی قرن ۱۸ که عموماً در رابطه با حقوق زنان بود گرفته تا موزیک هایی که در نقد و اعتراض به بمب های اتم ساخته شده اند. نمی توان برای موسیقی اعتراضی سبک خاصی را در نظر گرفت. سرودهای بلاروسی یا موزیک های رپ آمریکایی یا حتی ترانه های فلسطینی، همه نوعی موسیقی اعتراضی هستند. ترانه معروف «بلادی» یا «سرزمین من» ترانه تاثیرگذار و اعتراضی فلسطینی است که از آزادی و آبادی می گوید:

هر کدام از ما هزاران شکوفه می دهد ما نمی گذاریم حتی یک برگ انجیر پژمرده شود نمی ترسیم، سکوت نمی کنیم، تسلیم نمی شویم که فلسطین سرزمین من است.

